

## ضرورت مشارکت سیاسی نسل سوم جوانان در ایران، نقد شکل های مشارکتی و پیشنهاد مدل کارآمد

خلیل اله سردارنیا\*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۲/۳)

### چکیده:

مشارکت سیاسی، فراگرد ایفاء نقش مشارکتی افراد و بازیگران اجتماعی به منظور تعیین سرنوشت خود، بیان مطالبات یا حمایت ها و تأثیر بر تصمیم گیری های حکومتی است. بیش از دو دهه است که در سطح جهان به ویژه در دموکراسی های تثبیت یافته جوانان به عنوان یکی از بازیگران یا نیروهای اجتماعی مهم پذیرفته شده و حضوری چشمگیر در عرصه مشارکت به ویژه در جنبش های اجتماعی داشته اند. در این مقاله، در بخش نخست، تأثیر تغییر و تحولات ساختاری - اجتماعی در ایران در دهه اخیر بر پیدایش برخی چالش ها برای حکومت و ضرورت مشارکت سیاسی فعالانه جوانان بررسی می شوند؛ سپس در بخش دوم، شکل های موجود مشارکتی جوانان نقد می شوند و در پایان، در چارچوب نظریه نهادمندی هاتینگتون و نظریه سیستمی دیوید ایستون مدل پیشنهادی برای تحقق مشارکت سیاسی فعالانه جوانان در ایران ارائه می شود.

### واژگان کلیدی:

جوانان، مشارکت سیاسی، تحولات ساختاری - اجتماعی، نظریه سیستمی

## مقدمه

مشارکت و رقابت سیاسی نیروهای اجتماعی دو تا از نشانه‌های مهم دموکراسی هستند و سطح فعالانه یا منفعلانه بودن آن با متغیرهای تبیین‌گر مهم همچون: ساخت قدرت سیاسی، نوع فرهنگ سیاسی، سطح نوسازی و توسعه یافتگی اقتصادی و اجتماعی، کمیت و توانمندی نیروهای اجتماعی و جامعه مدنی و سطح آگاهی سیاسی- اجتماعی شهروندان ارتباطی تنگاتنگ دارد. بر این اساس، میزان و سطح مشارکت سیاسی و اثربخشی آن بر تصمیمات حکومت از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. جامعه ما، جامعه‌ای جوان است؛ نوجوانی و جوانی جمعیت می‌تواند فرصت و چالش نیز باشد. کم‌توجهی به خواسته‌های ضروری و معقول جوانان، ضعف ساختارهای مشارکتی و عدم اثربخشی کنش‌های مشارکتی می‌تواند چالش‌های جدی برای نظام سیاسی ایجاد کند. در این نوشتار نویسنده درصدد پاسخگویی به دو سوال است که عبارتند از:

۱. در حال حاضر، مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر ضرورت مشارکت سیاسی فعالانه نسل سوم جوانان در ایران کدامند؟
۲. مهم‌ترین نقدهای وارده بر تشکل‌های موجود مشارکت سیاسی جوانان کدامند؟

## عوامل تاثیرگذار بر ضرورت مشارکت سیاسی فعالانه جوانان در ایران امروز گفتار نخست: تغییر و تحولات ساختاری در ایران

### ۱. تغییر و تحولات ساختاری در ایران در دهه ۱۳۷۰ و نیمه اول دهه ۱۳۸۰

دیدگاه کلی در «رویکرد نوسازی» آن است که هرچه سطح سواد، تحصیلات، ارتباطات جمعی و رسانه‌های جمعی، درآمد، شهرنشینی و صنعتی شدن بالاتر رود، از یک‌سو نیروهای اجتماعی جدید به ویژه طبقه متوسط جدید به لحاظ کمی رشد می‌یابند و از سوی دیگر، به لحاظ کیفی نیروهای جدید و افراد جامعه آگاه‌تر شده و از ارزش‌ها و نگرش‌های نوین و دموکراتیک برخوردار می‌شوند. به تبع پیدایش ساختارهای نوین آموزشی، اقتصادی، ارتباطی، فرهنگی و نیروهای اجتماعی جدید، مشارکت اجتماعی و سیاسی ضرورت پیدا خواهد کرد. برنهارد وسلز با مطالعه مقایسه‌ای ۱۶ کشور صنعتی در سال ۱۹۹۰، بین مشارکت و شهرنشینی، تحصیلات و رسانه‌های جمعی، همبستگی و رابطه مثبت مشاهده کرده است (Norris, 2002, P.4). دانیل لرنر، بین صنعتی شدن، تحصیلات جدید و دسترسی گسترده به رسانه‌های جمعی و شکل‌گیری انسان نو با تفکر نوین و رفتار مشارکتی، همبستگی مثبت قائل است (Lerner, 1958, PP.48-49). اینکلس، کارل دوچ، اینگلهارت و دیوید اسمارت نیز در این ارتباط، دیدگاه مشابه دارند. اینگلهارت ضمن تأیید دیدگاه فوق، بر این نظر است که هرچه سطح

توسعه اقتصادی - اجتماعی بیشتر شود و دغدغه‌ها و نیازهای معیشتی رفع شوند، افراد به سمت مشارکت برای تحقق ارزش‌های فرامادی مانند تساهل، احترام، مشارکت، کیفیت خوب زندگی، سلامتی و غیره حرکت خواهند کرد (Engelhart, 1988, P.1219; اینگهارت، ۱۳۷۳، صص ۳۸۲-۳۸۰).

یکی از ابعاد مهم تغییر و تحولات ساختاری در ایران، افزایش میزان جمعیت شهری به ویژه جمعیت جوان است. جمعیت شهری از ۵۴/۳ در سال ۱۳۶۵ به ۶۱/۳ در ۱۳۷۵ و ۶۸/۴۷ در ۱۳۸۵ افزایش داشته است و جمعیت روستایی به ۳۱/۵۳ کاهش یافته است. جمعیت جوان (۱۵ تا ۲۹ ساله) از ۸ میلیون در ۱۳۶۵ به بیش از ۱۷ میلیون در ۱۳۷۵ و نزدیک به ۲۵ میلیون در سال ۱۳۸۵ (سه برابر رشد) افزایش داشته است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶) در حال حاضر، جمعیت جوان ۳۷/۳ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند. این میزان برای گروه سنی زیر ۱۴ سال ۲۴/۱ و برای ۵۴-۳۰ ساله ۲۹/۵ درصد از جمعیت کل کشور است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۵، صص ۳-۴).

تغییرات در ساختار آموزشی نیز قابل توجه بوده است. تعداد افراد باسواد در ۱۳۷۵ نسبت به ۱۳۶۵، ۲۰ درصد رشد داشته است. جمعیت دانش‌آموزان از ۱۲ میلیون در ۱۳۶۵ به ۱۷ میلیون در سال ۱۳۸۱ افزایش داشته است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۱). تعداد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی از ۱۶۷ هزار در ۱۳۶۵ به ۶۲۵ هزار در ۱۳۷۶ و ۸۰۹ هزار در سال ۱۳۸۱ و تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد از ۶۱۳ هزار در ۱۳۷۵ به ۸۶۴ هزار نفر در سال ۱۳۸۱ افزایش داشته است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۱). تعداد دانشجویان دانشگاه‌های کشور (چه دولتی و چه آزاد) در سال ۱۳۸۵، بیش از دو میلیون و پانصد هزار نفر بوده است. لازم به ذکر است که بیشترین تعداد از دانشجویان را گروه سنی جوان ۱۹ تا ۲۹ سال تشکیل می‌دهند. طبق آخرین آمار، تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کشور ۴/۳۳۰/۸۵۰ نفر بوده‌اند (گزارش مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶). تعداد مراکز آموزش عالی کشور در ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۶۵ از رشد ۴۴۳ درصدی برخوردار بوده است.

تغییر و تحولات در حوزه ساختارهای ارتباطات جمعی و رسانه‌ای نیز قابل توجه بوده است. تعداد نشریات در تهران (نشریه‌های سراسری) از ۹۹ نشریه در ۱۳۶۵ به ۶۶۶ نشریه در ۱۳۷۵ و ۱۲۰۷ نشریه در ۱۳۷۹ افزایش داشته است (گزارش مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰). تعداد نشریه‌ها با عنوان «جوان» در سال ۱۳۸۴، ۴۶ عنوان بود (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳، ص ۱۳). سرانه بهره‌مندی جوانان کشور از مجلات در ۱۳۸۴، ۷/۴ درصد عنوان برای هر یکصد هزار نفر جوان بوده است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴، الف، ص ۲۳). تعداد کتابخانه‌ها در ۱۳۸۴، ۱۶۴۱ باب نشان می‌دهد و در همین سال برای هر یکصد هزار جوان، ۶/۸ درصد باب کتابخانه و یک سالن سینما بوده

است (همان، ص ۲۴). یکی از مصادیق قابل توجه تحولات ساختاری در ایران، گسترش نسبی زیرساخت های فناوری های نوین ارتباطی اطلاعاتی و دسترسی نسبتاً قابل توجه جوانان به اینترنت و ماهواره بویژه در شهرها بوده است. گفته می شود با وقوع انقلاب ارتباطات، نوعی جامعه اطلاعاتی \_ شبکه ای و حوزه عمومی مجازی شکل گرفته که نقاط اتصال آن را گروه ها و نهادهای مدنی، سازمان های بین المللی دولتی و غیردولتی (NGOs)، جنبش های اجتماعی و سیاسی، فعالان سیاسی و اپوزیسیون ها شکل می دهند. این نقطه های اتصال از طریق اطلاعات و اخباری که در شبکه ها جریان می یابند، به هم متصل می شوند. به همین خاطر، فردی مانند روبرت لاتام بر این نظر است که در عصر جدید به جای حاکمیت دولت ها باید از حاکمیت گروه ها و جنبش های اجتماعی صحبت کرد که در عرصه جامعه مدنی جهانی فعالیت می کنند (Latham, 2000, P.8). جریان آزاد اخبار و اطلاعات، نیروهای اجتماعی از جمله جوانان را به مشارکت تشویق کرده و حکومت ها را به چالش می طلبد (Luck, 1995, P.55 ; Bimber, 2001, P.873).

نخستین بار در ایران در سال ۱۳۷۷ اینترنت در مرکز آموزش فیزیک نظری بهره برداری شد و سپس به بقیه دانشگاه ها گسترش یافت. بنابراین، اینترنت نخست در جایی مورد استفاده قرار گرفت که مرکز ثقل پتانسیل سیاسی جامعه و برخوردار از آگاهی سیاسی فزاینده بود و به عنوان یک گروه مرجع مهم ظاهر شده است. گفته می شود تعداد کاربران اینترنت از ۱/۷ میلیون نفر در ۱۳۸۰ به ۲/۳ میلیون نفر در پایان سال ۱۳۸۱ افزایش داشته است (بدیعی، ۱۳۸۲، ص ۳۵). اینترنت در ایران تا خرداد سال ۱۳۸۲ تقریباً آزاد از کنترل بود و سرانجام در خرداد ماه با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و دستور رئیس قوه قضائیه فیلترینگ سایت ها برای جلوگیری از جرایم اینترنتی و جلوگیری از هرزه نگاری آغاز شد (Rahimi, 2003, p.19). طبق آمار، تعداد کاربران اینترنت در سال ۱۳۸۳، ۶۷۵۰۰۰۰ نفر و در ۱۳۸۴ به ۹۴۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافته است. تعداد کاربران جوان از ۴۷۲۵۰۰۰ در ۱۳۸۳ با رشد ۳۹/۲۶ به ۶۵۸۰۰۰۰ نفر در ۱۳۸۴ افزایش داشته است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۱). در حال حاضر، در ارتباط با تعداد استفاده کنندگان جوان از ماهواره ها آمار دقیق در دست نیست؛ ولی به نظر می رسد بخشی مهم از جوانان به ویژه در شهرها از ماهواره ها و اینترنت استفاده می کنند.

## ۲. تأثیر تحولات ساختاری در ایران بر ضرورت مشارکت سیاسی فعالان نسل سوم جوانان

مسأله مشارکت جوانان در دو دهه اخیر در بسیاری از دموکراسی های اروپای غربی به ویژه در استرالیا، انگلستان و ایالات متحده مهم تلقی شده و بیشتر افراد از مشارکت فعالان جوانان

به عنوان بخشی از گفتمان شهروندی مدرن پشتیبانی می‌کنند. مشارکت جوانان به متعهد و ملزم شدن حکومت به شنیدن نظرات و نیازهای جوانان و فراهم‌سازی فرصت‌های واقعی بیشتر برای مشارکت و درگیرشدگی مدنی برای آنان در سطوح محلی، منطقه‌ای و کشوری منجر می‌شود (Bessant, 2004, P.391). در دو دهه اخیر، این ایده و باور که جوانان، بازیگران اجتماعی مهم هستند، توجه بسیار را به خود جلب کرده است (Arches, 2006, P.82). ایجاد فرصت‌های واقعی برای مشارکت جوانان به گسترش مهارت‌های ارتباطی، افزایش اعتماد به نفس، اثربخشی، استقلال و آگاهی سیاسی آنان می‌انجامد (Harland, 2005, P.104). نسل سوم جوانان در ایران (افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله) به دلایل ذیل بیشتر از نسل‌های دیگر از تحولات ساختاری یاد شده تأثیر پذیرفته‌اند: الف. این نسل، بیش از یک‌سوم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که بیش از ۶۰ درصد آنان در شهرها زندگی می‌کنند؛ ب. بیشترین تعداد جمعیت دانشگاهی را تشکیل می‌دهند؛ ج. بخشی قابل توجه از اعضای تشکلات اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی را تشکیل می‌دهند؛ د. بیشتر از نسل‌های دیگر از رسانه‌های جمعی، نشریات، کتابخانه‌ها، اینترنت و ماهواره استفاده می‌کنند.

اساساً، شهرها کانون فعالیت سیاسی هستند نه روستاها. حضور قابل توجه نسل جوان در دبیرستان‌ها به ویژه در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور تا حد قابل توجه بر شکاف نسلی در ایران تأثیر گذاشته است. در سال‌های اخیر در سایه تحولات یاد شده، جوانان عمدتاً از آگاهی سیاسی - اجتماعی فزاینده برخوردار شده و به سمت ارزش‌ها و باورهای دموکراتیک مانند مشارکت، انتقادپذیری، شفافیت، پاسخگویی، نظارت مدنی و مسئولیت‌پذیری سوق یافته‌اند. تحت تأثیر تحولات ساختاری یاد شده به ویژه در حوزه ساختارهای آموزشی، گفته می‌شود از دهه ۱۳۷۰ به بعد، تغییراتی در گروه‌های مرجع صورت گرفته است؛ «طبقه متوسط جدید» متشکل از اساتید دانشگاه، دانشجویان، معلمان، نویسندگان و غیره (که بخشی قابل توجه از آنان را جوانان تشکیل می‌دهند) به عنوان گروه‌های مرجع مهم، وزنی قابل توجه در جامعه به خود اختصاص داده‌اند و قشرهای دیگر جامعه در مسائل مختلف جهت کسب اطلاعات و راهنمایی لازم به این گروه‌ها مراجعه می‌کنند. لذا گسترش فرصت‌های واقعی برای مشارکت سیاسی جوانان بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

گسترش کمی و کیفی رسانه‌های جمعی در هدایت افکار عمومی و رفتارهای سیاسی اقشار مختلف به ویژه جوانان، بیان دیدگاه‌های نیروهای اجتماعی و سیاسی و ارتقاء آگاهی سیاسی - اجتماعی مردم و جوانان بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. در دهه اخیر، نسل جوان به دلیل نوجویی و پویایی فکری بیشترین استفاده را از رسانه‌های جمعی به عمل آورده است. پیگیری رویدادهای سیاسی - اجتماعی در داخل و نقاط دیگر جهان و برجسته‌سازی موضوعات حول حقوق

شهروندی، امنیت ملی، وحدت ملی، مشکلات اقتصادی، مسأله توسعه سیاسی و اقتصادی، اصلاحات، اصول‌گرایی و موضوعات دیگر بوسیله رسانه‌ها و نشریات بر تحول فکری و نگرشی جوانان و افزایش مطالبات مشارکتی و مدنی آنها تأثیری قابل توجه داشته‌اند. نتیجه مطالعه انجام‌شده بوسیله نگارنده نشان داد که در فاصله سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ به ترتیب مطبوعات، اینترنت و رادیوهای خارجی بیشتر از منابع اطلاع‌رسانی دیگر بر افزایش آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی تأثیرگذار بوده‌اند (سردارنیا، ۱۳۸۳). از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ به بعد، موضوعات و سرمقاله‌های سیاسی بیشترین حجم روزنامه‌ها را تشکیل داده‌اند. نتیجه یک مطالعه در باره روزنامه‌ها حاکی از آن است که مطالب سیاسی بین ۵۰ تا ۸۴ درصد حجم آنها را تشکیل داده است (حاجی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۸).

یکی از ابعاد تحولات ساختاری در ایران، گسترش نسبی استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی یعنی اینترنت و ماهواره است. به نظر می‌رسد شبکه جهانی اینترنت به دلیل قابلیت‌های ذیل بر تحول فکری و نگرشی و مطالبات مشارکتی جوانان تأثیرگذار بوده است: جاذبه‌های سرگرمی، اطلاع‌رسانی سیاسی - اجتماعی گسترده و به روز، دسترسی کاربران جوان به گروه‌های سیاسی، اجتماعی، تشکل‌های مدنی، نشریات الکترونیک، ارتباط با فعالان سیاسی، بهره‌مندی از دیدگاه‌های سیاسی گروه‌ها و شخصیت‌ها و جاذبه‌های علمی آن. علاوه بر اینترنت، ماهواره نیز مورد استفاده بخشی از جوانان ما به ویژه در شهرها بوده است. ۱۸ رادیو و تلویزیون فارسی زبان در شبکه ماهواره‌ای «تل استار پنج» (Telstar 5)، ۱۴ رادیو و تلویزیون فارسی زبان در «تل استار ۱۲»، چهار تلویزیون فارسی زبان در شبکه ماهواره‌ای «آتلانتیک برد» (Atlantic Bird) و ۹ رادیو و تلویزیون فارسی زبان در شبکه ماهواره‌ای «هات‌برد» (Hot bird) برای استفاده‌کنندگان ماهواره‌ها قابل دریافت هستند.

در مجموع، نسل فعلی جوانان به دلایل ذیل خواستار مشارکت فعالانه سیاسی به منظور تأثیرگذاری بر تصمیمات حکومتی و رساندن مطالبات مختلف خود به حکومت هستند و به نهادهای مشارکتی نسبتاً نمادین و سطحی موجود با اثربخشی کمتر، بسنده نمی‌کنند: الف. برخورداری فزاینده جوانان از آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی، نگرش‌ها و فرهنگ سیاسی مشارکتی در سال‌های اخیر؛ ب. خطرات و آسیب‌های جدی روحی - روانی در کمین جوانان همچون استفاده از داروهای آرام‌بخش، مواد الکلی و بزهکاری، افسردگی و سرخوردگی جوانان؛ ج. بیکاری جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش آمار طلاق و کاهش سن ابتلاء به انواع بیماری‌ها. علی‌رغم رشد قابل توجه در پذیرش دانشجویان ۳۷/۵ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار بوده‌اند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳، الف، ص ۷).

به نظر می‌رسد نسل جوان ما خواستار گسترش بسترهای مشارکتی، تعامل مستمر مسئولان با نهادهای مشارکتی واقعی جوانان (که در آینده ایجاد شود)، باور و اعتماد به نسل جوان، پذیرش درخواست‌های معقول و زمانمند آنها و خروجی یا تصمیمات مناسب برای پاسخگویی به مطالبات آنهاست. روشن است که بدون نهادهای مشارکتی واقعی برای جوانان و عدم استقلال آنها، پاسخگویی حکومت به خواسته‌ها، مطلوب نخواهد بود. لذا برای حکومت ضرورت دارد با دید بازتر به واقعیات جامعه جهانی و چالش‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه و جوانان بنگرد. استفاده از دیدگاه‌ها و نظرات جوانان و تعامل نزدیک با آنان به افزایش شناخت دقیق حکومت از چالش‌ها، دلگرم‌ساختن جوانان به نظام، جلب همکاری جوانان و ارائه پاسخ زمانمند حکومت به مطالبات آنها و در نهایت کاهش چالش‌ها می‌انجامد.

در یک بررسی تجربی انجام‌شده در مورد دلایل مشارکت پایین جوانان، نتایج ذیل به دست آمده است: ۸۱ درصد به خاطر عدم اعتماد به جوانان در واگذاری مسئولیت، ۵۷ درصد به خاطر هزینه بالای فعالیت‌های سیاسی، ۵۷ درصد به دلیل تبعیت از نظرات والدین در مسائل سیاسی و محافظه‌کاری ناشی از آن، ۷۵ درصد به خاطر عدم اعتماد به احزاب و گروه‌های سیاسی و ۶۰ درصد به خاطر عدم علاقه به مسائل سیاسی [البته تا حدی به دلیل عدم صداقت بازیگران حزبی و گروهی و پاسخگویی نسبتاً پایین نهادهای حکومتی به خواسته‌های گوناگون آنان]. [سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴، ب، ص ۷].

البته مطالعات تجربی مقایسه‌ای انجام شده در مورد نگرش‌ها و ارزش‌ها در سال ۱۳۷۴ و ۱۳۸۱، حاکی از تفاوت نسبتاً قابل توجه نگرشی و ارزشی جوانان با پیران و تفاوت نسبتاً کم ارزشی و نگرشی آنان با بزرگسالان است. برای مثال در یک مطالعه انجام‌شده، نتایج حاکی از آن است که کم‌اهمیت‌ترین ارزش‌ها در نزد جوانان شامل اقتدارگرایی، بلندپروازی و خوشگذرانی با میانگین ۳/۵ و مهم‌ترین ارزش‌ها در نزد آنها شامل سلامتی، احترام به والدین، آزادی‌ها و معناداری و هدف‌دار بودن زندگی با میانگین نمره بین ۵/۵ تا ۶ بوده‌اند. مهم‌ترین ارزش‌ها در نزد بزرگسالان شامل امنیت برای خانواده، فرصت‌های یکسان، سلامتی و استقلال با میانگین نمره بین ۵/۵ تا ۶ و کم‌اهمیت‌ترین ارزش‌ها در نزد آنها شامل بلندپروازی، حادثه‌جویی و خوشگذرانی با میانگین بین ۳/۱۸ تا ۳/۷۳ بوده‌اند (داریاپور، ۱۳۸۶، صص ۱۷-۱۶). همچنین نتایج این مطالعه حاکی از آن است که بین جوانان و بزرگسالان، تفاوت ماهوی در لایه‌های درونی شخصیت نیست بلکه در لایه‌های بیرونی مثل گرایش به مد و نوگرایی و تا حدی در میزان اهمیت‌دادن به آزادی یا امنیت تفاوت وجود دارد. در مطالعه وی، در ۲۸ مورد

از ۵۸ گویه ارزشی، تفاوت معنادار کمی بین جوانان و بزرگسالان مشاهده شده است (همان، ص ۲۰).

برخی بر این نظر هستند که با توجه به تحولات ساختاری یاد شده در ایران در دو دهه اخیر، «گسست نسلی» (استقلال نسل جوان از نسل‌های پیشین و تفاوت ماهوی بین آنها) رخ داده است و برخی دیگر با توجه به نتایج پیمایش‌های انجام‌شده و تفاوت‌های معنادار کم بین نسل جوان و بزرگسال و نه مسن بر این نظرند که «شکاف نسلی» رخ داده است. از جمله تقی آزاد ارمکی بر این نظر است که نهاد دین، خانواده و دولت مانع از گسست نسلی شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۵۸). طبق شواهد، نگارنده نیز بر این نظر است که جامعه ما در حال حاضر شکاف نسلی دارد نه گسست نسلی. شکاف نسلی حکایت از آن دارد که جوانان ما در عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی درصدد نقش‌آفرینی جدید و مشارکت در متن اجتماعی و فرهنگی هستند؛ زیرا این نسل با برخورداری از آموزه‌های مدرن و دموکراتیک یک نسل نقاد، مشارکتی و علاقمند به بازتولید فرهنگی - اجتماعی زمانمند است. گرچه این نسل دنبال بازتولید فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با ایفاء نقش مشارکتی سیاسی فعالانه است ولی به معنی گسست کامل آنها با ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های رفتاری نسل‌های پیشین نیست. با وجود این، نگارنده بر این نظر است که در آینده نزدیک با تداوم تحولات ساختاری - اجتماعی به ویژه در عرصه آموزشی و رسانه‌ای، شکاف نسلی از میزان یا اهمیت بیشتر برخوردار خواهد شد و در کنار شکاف‌های دیگر به تقاضاهای مشارکتی بیشتر جوانان و لزوم تعامل نزدیک حکومت با آنان خواهد انجامید.

### گفتار دوم: بسترهای اولیه بحران هویت و ضرورت مشارکت سیاسی فعالانه جوانان

به نظر می‌رسد در دهه اخیر، تحت تأثیر تحولات ساختاری به ویژه در عرصه ارتباطات جمعی و فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، بسترهای اولیه بحران هویت در بخشی از جوانان به ویژه در شهرهای بزرگ به وجود آمده است و بخشی از آنها به سمت هویت غربی از زاویه نامطلوب آن، سوق یافته‌اند. از زاویه مطلوب، نسل جدید به لحاظ نوآوری و پتانسیل‌های موجود در پی هویت‌یابی جدید است. هویت‌یابی جدید و مدرن، مشوق جوانان برای مشارکت و حضور همه‌جانبه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. آنچه در این گفتار مهم است، چهره یا شکل نامطلوب هویت غربی است و به بحران هویت در بخشی از جوانان ما انجامیده است. سازمان ملی جوانان در گزارشی چنین می‌نویسد: «بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از جوانان ایران از احساس هویت مناسب برخوردار نیستند و این خود می‌تواند به بروز ناهنجاری و بحران هویت در جوانان منجر شود. لذا سیاست‌گذاری و



برنامه‌ریزی بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت در این باره ضرورت دارد» (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۳). این سازمان در گزارشی دیگر چنین می‌نویسد: «تعارض در الگوها و نارسایی در تولید کالاهای فرهنگی منطبق با وضعیت و موقعیت جوانی، ابهام و سردرگمی در خط‌مشی‌ها از یک‌سو، در برخورد با مسائل مبتلابه جوانان همانند مد، موسیقی و ... به جای حل مسئله، به پاک‌کردن صورت مسئله می‌پردازد و از سوی دیگر، با ترویج عوام‌زدگی و روش‌های نامناسب تبلیغی ... به جای تلاش سازمان‌یافته و نظام‌مند در جهت ارائه مناسب نظام ارزشی اسلام به جوانان، موجب بروز تضاد و سردرگمی هویت جوانان گردیده است» (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳، الف، ص ۷).

مطالعه تجربی سازمان ملی جوانان حاکی از آن است که ۱۷/۳ درصد جوانان احساس بیگانگی سیاسی، ۱۵ درصد احساس بی‌معنایی سیاسی، ۲۲ درصد احساس بی‌قدرتی سیاسی، ۳۹ درصد احساس آنومی سیاسی - اجتماعی در حد خیلی بالا دارند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴، ص ۶). در وضعیت موجود، ایجاد فرصت‌های واقعی مشارکت سیاسی برای جوانان بسیار ضروری است؛ زیرا تحقق مشارکت واقعی می‌تواند به جوان ما حس استقلال، خودباوری و تعیین‌کننده‌بودن در سرنوشت خود بخشد و آن را در آنها درونی سازد. جوانان از طریق کانال‌های مشارکت سیاسی و تعامل با مسئولان می‌توانند آسیب‌ها، چالش‌ها، مشکلات و عواملی را که به بحران هویت انجامیده شناسایی کرده و خواستار پاسخگویی حکومت در جهت تحکیم هویت ملی گردند. ضرورت دارد که مسئولان حکومت در نهادهای مشارکتی واقعی جوانان، از زبان خود آنان و نمایندگان آنها، عوامل مؤثر بر بحران هویت را بشنوند و در جهت رفع آنها گام بردارد. این تعامل دوسویه می‌تواند به کارآمد کردن حکومت و رفع بحران هویت به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکومت در دهه سوم انقلاب کمک کند.

## بخش دوم: نقد تشکل‌های مشارکتی موجود جوانان در ایران

### ۱. نگاهی به تجربه مشارکتی جوانان در بریتانیا

در دو دهه اخیر جوانان به عنوان بازیگر اجتماعی مهم در سطح جهان مورد توجه واقع شده و مشارکت سیاسی آنان، ضروری شناخته شده است. ماتیوز از پژوهشگران برجسته در مورد مطالعات مشارکت سیاسی جوانان است؛ وی در مطالعات خود بیان می‌دارد که در سال ۱۹۴۹ موج نخست مشارکت جوانان بریتانیایی با تشکیل ۲۴۰ «شورای جوانان» آغاز شد. هدف، یکپارچه و منسجم کردن جوانان جامعه، ایجاد شهروندی بالغ برای بازسازی کشور، آموزش مدنی جوانان، مجهز کردن جوانان به مهارت‌های ارتباطی و مدنی، نظارت بر سازمان‌ها، مشارکت دادن جوانان و انتقال خواسته‌های آنها به حکومت و نهادهای سیاسی بود. ولی این

شوراها به دلایلی از جمله کنترل و هدایتشان بوسیله بزرگسالان، عدم انسجام بین شاخه‌های زیرمجموعه شوراها و کاستی‌های تشکیلاتی ناکام ماندند. موج دوم تشکیل شوراهای جوانان بریتانیایی در میانه دهه ۱۹۸۰ آغاز شد. در این موج، تأکید بر این بود که جوانان باید از طریق شوراها در تصمیم‌گیری‌ها به صورت جدی شرکت کنند ولی چندان موفقیتی حاصل نشد (Matthews, 2001, P. 301). موج سوم مشارکت جوانان بریتانیایی از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ آغاز شده است. جدیدترین پیمایش که بوسیله «مرکز جوانان» در ۱۹۹۹ انجام شده، حاکی از آن است که بیش از ۴۰۰ شورای جوانان در بریتانیا شکل گرفته است. در بریتانیا «آژانس ملی جوانان» (National youth agency) و «شورای جوانان بریتانیا» (The British youth council) در رأس شوراهای محلی و منطقه‌ای جوانان قرار گرفته و ارائه اطلاعات، توصیه و پشتیبانی مالی از شوراها را بر عهده دارند. به عقیده وی در موج سوم تشکیل شوراهای مشارکت جوانان بریتانیا فعالانه بوده است و عملکرد این شوراها به ویژه در اسکاتلند و ایرلند شمالی بسیار موفق بوده است. تربیون‌های جوانان در این دو منطقه برای درگیرسازی مدنی یا مشارکت جوانان برای بیان خواسته‌هایشان در زمینه‌های مسکن، استخدام، تحصیلات و حوزه‌های دیگر گسترش یافته‌اند (Ibid, PP. 301-302).

## ۲. نقد کانال‌های مشارکتی جوانان در یک دهه اخیر

«شورای عالی جوانان» در سال ۱۳۷۱ بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تأسیس شد و در سال ۱۳۷۹، «سازمان ملی جوانان» برای ساماندهی امور جوانان در راستای «برنامه سوم توسعه» بنیان گذاشته شد. دولت با استناد به قانون ۱۵۷ «برنامه توسعه» موظف گردید برنامه ساماندهی امور جوانان را تدوین و اجراء کند. تا پایان سال ۱۳۸۴، ۳۹۹۳ تشکیل مرتبط با سازمان ملی جوانان در سراسر کشور در عرصه‌های گوناگون اجازه فعالیت داشته‌اند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۶، ص ۶). همچنین ۲۰۰۰ سازمان غیردولتی جوانان، ۴۵۰ سازمان غیردولتی برای دختران و زنان و ۳۴ سازمان غیردولتی خاص جوانان با مجوز فعالیت از وزارت کشور گزارش شده است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴، صص ۵-۶). شورای عالی جوانان و سازمان ملی جوانان در دهه ۱۳۷۰ برای ساماندهی امور جوانان و رفع مشکلات آنان شکل گرفتند ولی به نظر می‌رسد که چندان عملکردی رضایتبخش نداشته‌اند. به نظر نگارنده، مهم‌ترین دلیل آن است که این سازمان بوسیله حکومت شکل گرفته و رئیس آن منصوب رئیس‌جمهور و معاون وی است و قاعدتاً نمی‌تواند از استقلال عمل لازم برخوردار باشد. طبعاً نهادهای مشارکتی جوانان در عرصه‌های مختلف به دلیل وابستگی به سازمان ملی جوانان نمی‌توانند کارکرد مشارکتی در حد انتظار داشته باشند. البته نگارنده نگاه کاملاً سلبی به سازمان

ملی جوانان ندارد و برخی عملکردهای مثبت آن از جمله مطالعات علمی در مورد جوانان و انتقال برخی مشکلات آن به حکومت را نادیده نمی‌گیرد.

دلایل دیگر در ارتباط با عملکرد ضعیف نهادهای مشارکتی جوانان و مشارکت سیاسی پایین جوانان در یک دهه اخیر به اجمال عبارتند از:

- اعتماد پایین بخشی قابل توجه از جوانان به نهادهای مشارکتی موجود و عملکردهای عمدتاً نمادین و احساسی این نهادها؛

- نهادینه نشدن در حد انتظار فرهنگ مشارکتی در بین جوانان در مدرسه، خانواده و محیط‌های دیگر. برای مثال شوراهای دانش‌آموزی عمدتاً در آستانه انتخابات و روزهای اولیه پس از انجام انتخابات فعال هستند و پس از آن افت فعالیت دارند و مسئولین واحدهای آموزشی، آنها را به حد تشریفاتی کاهش می‌دهند؛

- مهارت‌های پایین ارتباطی و مدنی در بین جوانان، کمبود تجربه کار جمعی، ضعف اخلاق جمعی در ایران و غلبه مدیریت فرد محور بر تشکلات مدنی؛

- فراوانی تشکل‌های جوانان در زمینه‌های مختلف و عدم کاهش آن به چند نهاد مشارکت سیاسی واقعی باعث شده است که نمایندگان واقعی جوانان بازشناخته نشوند، لذا حکومت پاسخگویی کمتر از خود نشان داده است؛

- عدم استفاده از بسترهای قانونی برای واگذاری فعالیت‌های دولت به سازمان‌های غیردولتی با هدف افزایش مشارکت جوانان؛

- رغبت پایین جوانان و خانواده‌های آنها به رفتار مشارکتی؛

- نبود برنامه جامع ساماندهی در مورد جوانان (سازمان ملی جوانان در گزارشی اعتراف می‌کند که نتوانسته است به سطوح اصلی سیاستگذاری، مدیریتی و اجرایی کشور راه یابد و در عالی‌ترین سطوح سیاستگذاری نفوذ زیادی ندارد. گرچه رئیس سازمان، معاون رئیس جمهوری است ولی ناهمخوانی و عدم همکاری مطلوب سازمان‌ها مانع از کامیابی این سازمان شده است) (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۶، ص ۶)؛

- منابع مالی اندک و نبود فضای مناسب از حیث ساختمان و دفاتر برای تشکل‌های جوانان و دلایل دیگر.

### **بخش سوم. ارائه مدل پیشنهادی برای مشارکت سیاسی کارآمد جوانان**

در این قسمت درباره مشارکت سیاسی فعالانه جوانان برای تعیین سرنوشت خود در ابعاد مختلف و رفع مشکلات و چالش‌ها در سطح پراتیک و عملی، پیشنهاد ذیل ارائه می‌شود. در این پیشنهاد از «نظریه نهادمندی» هانتینگتون و «نظریه سیستمی» ایستون استفاده می‌شود.

هائیتینگتون در کتاب «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی» بر این باور است که دگرگونی‌های سریع اجتماعی در کشورهای در حال گذار به ورود گروه‌های اجتماعی تازه در عرصه سیاست می‌انجامد؛ ولی مشارکت سیاسی خارج از نهادمندی به بی‌ثباتی در این کشورها می‌انجامد (هائیتینگتون، ۱۳۷۵، ص ۱۰). به باور وی، مهم‌ترین مسئله سیاسی این کشورها، واپسماندن نهادمندی و تحول نهادهای سیاسی نسبت به دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی است (همان، ص ۱۱). مسئله اصلی این کشورها یک سامان عمومی مشروع است نه آزادی [غیرنهادمند] (همان، ص ۱۵). هرچه جامعه پیچیده‌تر می‌شود، تأمین و تضمین مشارکت سیاسی به نهادمندی نهادهای مدنی و کارکرد نهادهای سیاسی، بیشتر وابسته می‌شود (همان، صص ۱۹-۱۸). سطح رشد سیاسی یک جامعه به میزان احساس تعلق افراد و گروه‌ها به نهادهای سیاسی، احساس همبستگی با جامعه و نهادمندی نهادهای مدنی مرتبط است (همان، ص ۱۹). از دید وی، «نهادمندی» فراگردی است که سازمان‌ها و شیوه‌های عمل با آن، ارزش و ثبات یابند و سطح نهادمندی هر نظام سیاسی را می‌توان با تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام نهادها و شیوه‌های آن نظام تعیین کرد (همان، صص ۲۴-۲۳).

«تطبیق‌پذیری» یکی از ویژگی‌های سازمان یا گروه نهادمند است و سازمان می‌تواند حکومت، حزب یا هر گروه دیگر باشد. منظور از تطبیق‌پذیری، انعطاف و انطباق بیشتر سازمان با شرایط و اوضاع و احوال محیطی است که در آن قرار دارد. محیط پیرامونی ما، ایستا نیست، بلکه متحول و پویا است، لذا انطباق‌پذیری برای پاسخ به چالش‌های محیطی ضرورت دارد. انطباق‌پذیری سازمان، حکومت یا حزب باعث کارکردها و ایفاء نقش بهتر برای کسب رضایت اعضا خواهد بود. به نظر می‌رسد عملکرد تشکل‌های موجود در مورد جوانان، سازمان ملی جوانان و حکومت از انطباق‌پذیری قابل توجه با چالش‌های محیطی برخوردار نبوده است. به عبارت دیگر، سطح انطباق‌پذیری آنها کمتر بوده است و از حیث عملی فاصله زیاد با انطباق‌پذیری دارند.

یکی دیگر از ویژگی‌های نهادمندی، «پیچیدگی» است. پیچیدگی مستلزم تعدد واحدهای سازمانی تابعه (چه در حکومت و چه در نهادهای مدنی و احزاب است. پیچیدگی یک سازمان از جهت وجود زیرمجموعه‌ها به خودی خود کارایی را افزایش نمی‌دهد بلکه نیاز به ویژگی دیگر یعنی «انسجام» زیرمجموعه‌ها در درون یک سازمان در راستای اهداف مشترک دارد. به نظر می‌رسد تشکل‌های موجود در مورد جوانان در ایران از ویژگی فوق برخوردار نیستند و به جای پیچیدگی و انسجام، تشکل‌ها در عرض هم به صورت موازی گسترش یافته و از نهادمندی برخوردار نیستند. البته لازم به ذکر است که به نظر می‌رسد ظاهراً سازمان ملی جوانان با پوشش دادن نزدیک به چهار هزار تشکل مربوط به جوانان، از پیچیدگی سازمانی

برخوردار است؛ با وجود این، نگارنده بر این باور است که عملکرد پایین این سازمان و صوری بودن تشکل‌ها عکس آن را نشان می‌دهند و خود سازمان، ناکامی نسبی تشکل‌هایش را یادآوری کرده است. در گفتار پیش به چند مورد از آنها، به نقل و قول از این سازمان اشاره شد.

چهارمین ویژگی نهادمندی، «استقلال» است. عدم استقلال بخش قابل توجه تشکل‌های موجود در ایران از حکومت و نهادهای حکومتی، باعث عدم نهادمندی و کارایی پایین‌تر آنها شده است (رک همان منبع، صص ۴۰-۲۳). بر اساس نظریه نهادمندی هانتینگتون، نگارنده در سطح پراتیک یا عملی برای تحقق مشارکت سیاسی واقعی جوانان، پیشنهاد ذیل را ارائه می‌دهد. با توجه به شکاف نسلی، شرایط متحول در جامعه و جهان و چالش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نظام، ضرورت دارد که حکومت، جوانان را به عنوان نیروی اجتماعی مهم بپذیرد و ساخت فرصت‌ها برای مشارکت سیاسی جوانان در قالب «شوراهای جوانان» را فراهم سازد. پیشنهاد می‌شود شوراهای جوانان به عنوان نهاد مدنی خودجوش و مستقل از دولت (هم در تأسیس و هم در ایفاء نقش مشارکتی و نظارتی) در سطوح بخش، شهرستان، استان و کشوری شکل گیرند. در صورت عدم برخورداری از استقلال یاد شده، این شوراهای در مقوله جامعه مدنی قرار نمی‌گیرند. شوراهای جوانان، تنها با برخورداری از استقلال است که خواهند توانست بدون ملاحظه‌کاری و محافظه‌کاری، خواسته‌های معقول و منطقی جوانان در زمینه‌های مختلف را به دستگاه تصمیم‌گیری انعکاس و انتقال دهند. از دولت انتظار می‌رود که با تصویب قانون در مجلس، شوراهای جوانان را از حیث مالی پشتیبانی کند. لازم به ذکر است که فعالیت شوراهای طبق قانون باید نهادمند و قانونمند باشد و از طرح خواسته‌های افراطی پرهیز شود و خواسته‌ها باید معقول و متناسب با مشکلات جوانان باشند. نباید طرح خواسته‌های معقول، زمانمند و متناسب با چالش‌های امروز برای جوانان از سوی حکومت به عنوان خواسته افراطی تلقی شود. از حکومت انتظار نمی‌رود که پشتیبانی مالی از شوراهای را به سمت هدایت از بالا به پایین سوق دهد. پشتیبانی مالی از شوراهای برای خرید یا اجاره دفاتر ساختمانی و تأمین هزینه‌های جاری لازم است. البته شوراهای یادشده می‌توانند با روش‌های القایی و تشریح اهداف خود، از کمک‌های مالی مردم نیز برخوردار شوند.

برای مشروعیت و قانونی بودن این شوراهای، ضرورت دارد که در فراخوان عمومی برای همایش، انتخابات صورت گیرد. البته پیش از آن لازم است که در سطح ملی فعالان جوان دانشگاهی اساسنامه این شوراهای را به صورت سند واحد، تهیه و تنظیم کنند و منشور آن در کشور به صورت منسجم و یکدست اجراء شود. برای تحقق اصل پیچیدگی (از ویژگی‌های نهادمندی) ضرورت دارد که شوراهای جوانان در تمامی سطوح بخش، شهرستان، استان و

کشوری (ملی) به کمیته‌ها یا زیرمجموعه‌های فرعی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ورزشی تقسیم شود. به تناوب، شورای مرکزی جوانان در هر سطح با اعضاء کمیته‌های یادشده تشکیل جلسه دهند. این پیچیدگی تشکیلاتی به نهادمندی و کارایی بالاتر شوراهای جوانان کمک خواهد کرد. اعضاء کمیته‌های یادشده در هر سطح، ضرورت دارد که با جوانان و مشکلات آنها در زمینه‌های کاری مربوطه ارتباط نزدیک داشته باشند تا بتوانند منعکس کننده خواسته‌های واقعی جوانان از زبان خود آنان باشند. ضرورت دارد که شورای جوانان در هر سطح به عضوگیری نیز بپردازند.

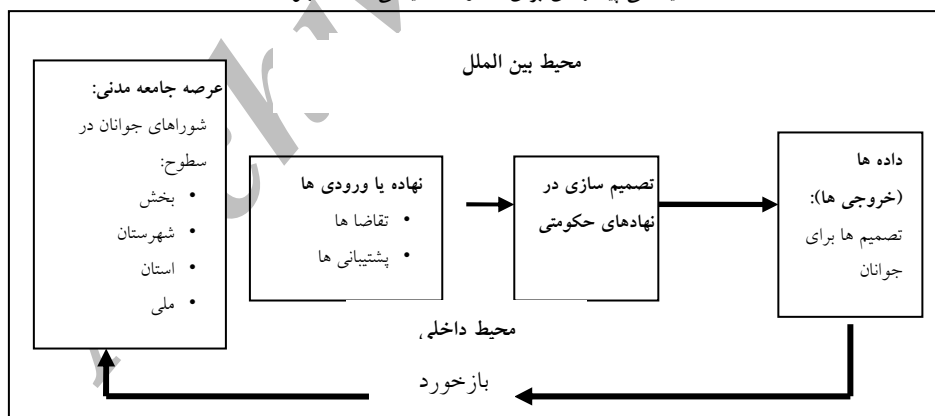
برای تحقق اصل انسجام (از ویژگی‌های نهادمندی) ضرورت دارد که بین شوراهای یادشده در سطوح مختلف و کمیته‌های آنها از حیث سطح فعالیت، تاکتیک‌ها و اهداف مشارکتی، انسجام و هماهنگی لازم وجود داشته باشد و از مدیریت فرد محور در شوراهای پرهیز شود. ضرورت دارد که در تصمیم‌گیری، مدیریت و اجراء قواعد و سازوکارهای دموکراتیک و تصمیم‌گیری مشارکتی بر مبنای اخلاق جمعی رعایت شود. یکی از مهم‌ترین موانع تحزب در ایران، مدیریت فرد محور و کمتر مشارکتی حاکم بر تشکلات حزبی و گروهی بوده است. اصل انسجام ایجاب می‌کند که نماینده شوراهای و نماینده هر یک از کمیته‌های آنها از بخش در شهرستان و استان نیز حضور داشته باشد و نمایندگان شهرستانی و استانی هر یک از زیرمجموعه‌ها (از هر کدام یک نفر) در شورای مرکزی جوانان در سطح ملی - کشوری برای انتقال خواسته‌ها و تشریح نتایج فعالیت‌های خود حضور داشته باشند. اصل انطباق ایجاب می‌کند که شوراهای جوانان، خواسته‌ها را زمانمند و متناسب با شرایط و مشکلات روز جوانان تهیه و تنظیم کنند. در ضمن شرایط و ملزومات فرهنگی و ملی را نیز لحاظ کنند. برای اینکه شوراهای جوانان در تمامی سطوح، نماینده تمام جوانان از قشرهای مختلف برای بیان مطالبات و نیازهای آنان در زمینه‌های مختلف علمی، صنفی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشند، ضرورت دارد که در این شوراهای مختلف جوانان شامل کارگر، دانش‌آموز، دانشجوی، کشاورز و غیره حضور داشته باشند. شوراهای جوانان در سطوح مختلف برای ایفاء نقش مشارکتی سیاسی مطلوب ضرورت دارد که به تناوب، فراخوان عمومی برای تشکیل جلسه دهند. پس از آن این شوراهای و کمیته‌های آنها، مطالبات مختلف را جمع‌بندی کنند؛ سپس با مسئولین بخش، شهرستان، استان و مقامات کشوری تشکیل جلسه داده و خواسته‌ها را به آنها منعکس کنند. شایسته است که هر نهاد حکومتی در هر سطح یک واحد و مقام مسئول را به هر یک از کمیته‌های مربوط به شورای جوانان اختصاص دهد. برای تحقق اصول دموکراتیک همچون نظارت مدنی بر مسئولان و نهادهای حکومتی و پاسخگو و مسئولیت‌پذیر

ساختن آنها ضرورت دارد که تعامل مستمر بین شوراهای و نهادهای حکومتی در سطوح مختلف برقرار شود.

برای تداوم مشروعیت شوراهای و حفظ اعتماد اعضاء و جوانان ضرورت دارد که شوراهای جوانان از طریق نشریه خود به عنوان «ارگان شورا» اطلاع‌رسانی عمومی کنند و جوانان را از نتایج فعالیت‌ها و کاستی‌ها و نقاط قوت آن آشنا سازند. از آنجا که دموکراسی و تداوم آن به وجود شهروند آگاه و مدنی و مجهز به تربیت سیاسی نیازمند است و حضور جوانان آگاه‌تر و مجهز به مهارت‌های مدنی و ارتباطی می‌تواند مایه قوت این شوراهای شود، ضرورت دارد که شوراهای جوانان به مسئله تربیت سیاسی اعضاء و جوانان نیز اهتمام ورزند. کارکرد تربیت سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی از طریق نشریات و اتاق‌های گفتگو با دعوت از افراد صاحب‌نظر می‌تواند انجام شود. جوانان با عضویت و همکاری با شوراهای و شرکت در جلسات آن می‌توانند با مهارت‌های مدنی و ارتباطی و فنون مذاکره به تدریج آشنا شوند و اعتماد به نفس برای مشارکت سیاسی را در خود تقویت کنند.

نکته بسیار مهم آن است که حکومت، تشکیل این شوراهای مستقل را به عنوان یک ضرورت برای رهایی از بخشی از چالش‌های سیاسی نظام بپذیرد و با برقراری تمهیدات قانونی مایه دلگرمی به جوانان برای مشارکت بیشتر شود. اگر هزینه عمل مشارکتی بالا باشد، جوانان به فعالیت امیدوار نخواهند بود؛ این نکته‌ای است که سازمان ملی جوانان خود به آن معترف است.

مدل سیستمی پیشنهادی برای مشارکت سیاسی فعالانه جوانان



در چارچوب این مدل، می‌توان تعامل شوراهای جوانان با مقامات و نهادهای حکومتی در تمامی سطوح محلی، شهرستان، استان و ملی را مورد مطالعه قرار داد و بازخورد تصمیم‌ها چه مثبت و چه منفی در نزد جوانان را مشاهده کرد. با توجه به چالش‌های محیطی داخلی و

خارجی، ضرورت دارد که خروجی یا تصمیمات حکومت متناسب با نیازها و مطالبات جوانان باشد. ضرورت دارد حکومت، شوراهای جوانان را به عنوان مکمل حکومت و همکار تلقی کند نه به عنوان مزاحم و تهدید. اگر خروجی یا تصمیمات حکومت متناسب با نیازها و مطالبات زمانمند باشد، در این صورت بازخورد آن خروجی‌ها به صورت مثبت تلقی خواهد شد. به این ترتیب، نسل جوان با کثرت جمعیت و قابلیت‌های فنی، ارزشی و نگرشی می‌تواند به عنوان سرمایه اجتماعی و ملی و به عنوان "فرصت مهم" در مسیر توسعه به کار گرفته شود. در صورت عدم برقراری تعامل یا عدم اثربخشی مشارکت و تداوم بازخوردهای منفی نسبت به خروجی یا تصمیم‌های حکومتی، ممکن است که بخشی از فرصت‌های احتمالی به چالش و تهدید انجامد.

## نتیجه

در این مقاله، در بخش نخست، ریشه‌ها و عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار بر ضرورت تحقق مشارکت سیاسی فعالانه نسل سوم جوانان با روش تبیین علی - ساختاری و تحلیلی مورد بحث واقع شد. توضیح داده شد که از دهه ۱۳۷۰ به بعد تغییر و تحولات ساختاری در ایران با سرعت قابل توجه رخ دادند. شکل‌گیری شکاف نسلی، تحول فکری و نگرشی در جوانان، سهم نزدیک به ۴۰ درصد جوانان از کل جمعیت، مشکلات متعدد اقتصادی و غیراقتصادی جوانان و دسترسی بخش قابل توجه از آنان به فناوریهای نوین ارتباطی، در مجموع چالش‌های قابل توجه برای حکومت ایجاد کرده‌اند. توضیح داده شد که حکومت با عنایت به تحولات و چالش‌های یادشده به ویژه در محیط متحول داخلی و خارجی، باید جوانان را به عنوان نیروی اجتماعی مهم مورد توجه و تکریم فرال داده و ساخت فرصت‌های مشارکتی سیاسی واقعی را برای آنان فراهم آورد. همچنین توضیح داده شد که پیدایش بسترهای اولیه بحران هویت در جوانان و سرگردانی آنها بین سه لایه هویتی غربی، اسلامی و ملی پویا مشارکت سیاسی برای جوانان در عصر حاضر را ضروری ساخته است. شکل‌گیری تشکل‌های واقعی مشارکتی برای جوانان می‌تواند تا حد قابل توجه از سرگردانی هویتی جوانان جلوگیری کرده و هویت ملی را تحکیم بخشد. در بخش دوم مقاله، ابتدا تشکل‌های مشارکتی موجود برای جوانان فهرست شده و اجمالاً مورد نقد قرار گرفتند. در نهایت بر اساس نظریه نهادمندی هانتینگتون و نظریه سیستمی دیوید ایستون مدل پیشنهادی برای تحقق مشارکت سیاسی فعالانه و اثربخش جوانان ارائه داده شد.



## منابع و مأخذ:

### الف. فارسی:

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، «فرایند تغییر نسلی»، دو فصلنامه تخصصی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، شماره ۱، سال اول.
۲. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۱)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
۳. بدیعی، نعیم (۱۳۸۲)، «گزارش زمینه‌های آزادی بیان و اطلاعات»، فصلنامه رسانه، شماره ۳، سال چهارم.
۴. حاجی‌زاده، مسعود (۱۳۷۸). سیمای روزنامه‌های یومیه در سال ۱۳۷۸. تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۵. داریاپور، زهرا (۱۳۸۶)، «ساختار ارزشی و مناسبات نسلی»، دو فصلنامه تخصصی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، شماره ۱، سال اول.
۶. سازمان ملی جوانان (الف، ۱۳۸۳)، برنامه ملی ساماندهی امور جوانان.
۷. سازمان ملی جوانان (ب، ۱۳۸۳)، گزارش آماری وضعیت جوانان.
۸. سازمان ملی جوانان (الف، ۱۳۸۴)، گزارش وضعیت رسانه‌ها در حوزه جوانان.
۹. سازمان ملی جوانان (ب، ۱۳۸۴)، برنامه توسعه و ارتقای مشارکت جوانان.
۱۰. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۵)، گزارش وضعیت جمعیت.
۱۱. سازمان ملی جوانان (الف، ۱۳۸۶)، خلاصه گزارش آماری وضعیت جوانان.
۱۲. سازمان ملی جوانان (ب، ۱۳۸۶)، برنامه شناسایی و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان.
۱۳. سازمان ملی جوانان (ج، ۱۳۸۶)، سند ملی جوانان در چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی.
۱۴. سازمان ملی جوانان (د، ۱۳۸۶)، سیاست ملی جوانان در جمهوری اسلامی ایران.
۱۵. سالنامه آماری کشور (۱۳۸۰) و (۱۳۸۱).
۱۶. سردارنیا، خلیل‌اله (۱۳۸۳)، بررسی مقایسه‌ای تأثیر رسانه‌های جمعی و فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی بر آگاهی سیاسی دانشجویان (رساله دکتری علوم سیاسی). تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۷. گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۸۶).
۱۸. هانتینگون، سمونل (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران، نشر علم.

### ب. خارجی:

1. Arches, J. Fleming, J. (2006). "Young people social action ...," **New direction for youth development**, No. 111.
2. Bessant, J. (2004). "Mixed messages: youth participation democratic practice", **Australian journal of political science**, vol. 39, No. 2.
3. Bimber, B. (2001). "Information & political engagement in America", **Political research Quarterly**, Vol. 54, No. 1.
4. Davis, D. Baran, s. (2000). **Mass communication theory**, U.K: Wadsworth publishing company.
5. Harland, J. (2005). "The voice of young people", **Education journal**, issue, 104.
6. Inghelhart, R. (1988). "The Renaissance of political culture" **American political science review**, Vol. 82, No. 4.
7. Latham, R. (2000). "Social sovereignty", **Theory, culture & society**, Vol. 17, No 4.
8. Lerner, D. (1958). **The passing of traditional society**, USA: The free press.
9. Luck, T. (1995). "Information & culture", **History of European Ideas**, Vol. 20, No 4.
10. Matthews, H. (2001). "Citizenship, youth councils & young people's participation", **Journal of youth studies**, Vol. 4, No. 3.
11. Norris, P. (2002). **Democratic phoenix: political activism...**, New York: Cambridge University press.
12. Rahimi, B. (2003). "The Internet in revolutionary Iran". **Middle East Review of International Affairs**, vol.1, No. 3.